

## کی جی بی در افغانستان



قسمت یازدهم

### جنگ شوروی در افغانستان

در مناطق مرزی شوروی همجوار افغانستان و ایران حالت اضطرار اعلام شد. سربازان و افسران احتیاط بسیج شده و عراده جات به بیگاری گرفته شدند. واحدها و جزوتام های نظامی از نظر پرسونل اکمال گردیده به حالت آماده باش قرار داده شدند و مرخصی های نظامیان لغو گردید. شمار وسایط نقلیه نظامی و ماموریت های خاص در یکدم افزایش یافته و هرگونه تذکر از تهاجم طرح ریزی شده در مکاتبات و مخابرات ممنوع قرار داده شد.

کی جی بی مسئول حمل و نقل سربازان و تجهیزات نظامی بود. مسیر قطارهای ویژه خط آهن (که در هیچ جا توقف نمی کردند) به قطعات و بخش های معینی تقسیم شد و در طول هر بخش پوسته های نظارت و دیده بانی تأسیس گردید. فعالیت های استخباراتی و ایجنتوری در همه عرصه ها تشدید یافته اداره همه تأسیسات رادیویی و مخابراتی در دست گرفته شد. نظارت بر خارجیان بخاطر مراقبت از فعالیت های جاسوسی تشدید گردید و شعبات خاص استخباراتی در قطعات و واحدهای نظامی تشکیل شد. کارکنان این شعبات را افسران مسلکی تشکیل می دادند که از شعبات فعالیت های ویژه نفرگیری شده یا از میان افسران احتیاط انتخاب شده بودند. کسانی که بزبان فارسی بلدیت داشتند برای این شعبات انتخاب می گردیدند. یک گروه ماموریت ویژه از شعبه خدماتی «ر» کی جی بی به کوشکه<sup>1</sup> فرستاده شد و در مورد اینکه آیا ایالات متحده عوامل خود در کارهای غیرمجاز را فعال ساخته بود یا خیر تجسس براه انداخته شد. نگهبانی از تأسیسات اقتصادی تشدید یافت و کنترل مراسلات پستی و مکالمات تلفونی افزایش یافت. نامه هایی که ذکری از حالت آماده باش سربازان در آنها می رفت ضبط و صادره می شدند و مراسلات و مکاتبات مشکوک توقیف و نویسندگان آنها مورد بازپرسی قرار می گرفتند.

جهت تخلیه احتمالی خارجیان و گروه هایی از ایرانیان و افغانان به اتحاد شوروی آمادگی ها و تدابیر همه جانبه به سرعت رویدست گرفته شد. طرز العمل پذیرش تخلیه شوندگان احتمالی ترتیب و نقاط عبور مرزی آنها تثبیت گردید و گروه های بازرسی عملیاتی ایجاد گردیدند. جلوگیری از تلاش های اتباع اتحاد شوروی برای فرار به ایران مورد توجه بیشتر قرار گرفت.

<sup>1</sup> Kushka موقعیت این محل را نویسنده واضح نکرده است ولی گمان اغلب آنست که کوشکه یا سرهت آباد ترکمنستان باشد که در منطقه ایکه سابقاً بنام «پنجده» یاد می شد و جزء خاک افغانستان بود قرار دارد. دانشنامه انترنتی ویکیبیدیا منطقه یی را بنام کوشکه در ولایت بلخ افغانستان نیز یادآوری می کند که برای اینجانب آشنا نیست ولی احتمال اینکه این اخیرالذکر منظور میتروخین بوده باشد منتفی است - برگرداننده

مارشال سک洛夫<sup>2</sup> معاون وزیر دفاع شوروی بروز ۴ جنوری با روحیه سرپا عزم جزم به کابل وارد شد. جنرال های روسی لبریز از شور و اشتیاق بی صبرانه می خواستند در برابر دشمنی زبون و ناتوان زور خود را بیازمایند. نیروی هوایی شوروی شورشیان را مورد بمباران شدید قرار داد و سپس ارتش وارد کارزار شد. بروز ۱۶ فیروزی مارشال سک洛夫 معاون وزیر دفاع، جنرال اخرومیوف<sup>3</sup> معاون اول لوی درستیز و جنرال مگومتوف سرمشاور نظامی شوروی در افغانستان با کارمل دیدار و اوضاع را ارزیابی کردند و با اظهار اینکه «نیروی هوایی ما ۲۴۰ پرواز محاروبی و قوای هوایی افغانستان ۵۶ پرواز محاروبی انجام داده اند» کارکرد ارتش شوروی را به رخ کشیدند.

اولین ترکانازی شوروی ها بجای ایجاد رعب و ترس در دل مردم افغانستان بازتابی برعکس ایجاد کرد. از ۲۰ تا ۲۳ فبروری (۳ حوت) تظاهرات ضد شوروی در کابل راه افتاد که برای برقراری نظم از نیروی نظامی استفاده شد. شهر بحالت محاصره قرار گرفت، پل ها مسدود و موانع روی جاده ها و کمینگاه های مخفی بالای همه راه هایی که به شهر منتهی می شدند ایجاد گردید. قادر بحیث فرمانده نظامی شهر مقرر شد. بیست و چهار تولی (اضافه از ۲۰۰۰ سرباز)، ۳۰ تانک و ۲۰۰ زره پوش و نفربر زرهی زنجیر دار شوروی با ۱۱ تولی (اضافه از ۱۰۰۰ سرباز) ۴۳ تانک، ۴۰ نفربر زرهی زنجیر دار با دستگاه های راکت انداز سیار اردوی افغانستان درین محاصره سهم گرفتند. پرواز های کم ارتفاع بالای شهر و مناطق اطراف آن جهت ایجاد ترس و دهشت در دل مردم راه انداخته شد. طیارات شوروی ۱۵۸ پرواز رزمی و طیارات افغانی ۴۹ پرواز رزمی انجام دادند و اضافه از ۹۰۰ تظاهر کننده به زندان انداخته شدند. یک مرکز عادی سازی اوضاع به ریاست سروری در کابل ایجاد گردید که اعضای آن تورن جنرال قادر قوماندان شهر و ایوانوف (افسر ارشد کی جی بی در کابل) بودند که این اخیرالذکر به پیشنهاد کارمل به عضویت این هسته شامل ساخته شد. آنها صلاحیت داشتند تا کارهای وزارت های دفاع، داخله و ارگان های امنیت دولتی را هماهنگ سازند.

بخش بیشتر روستاها در دست شورشیان بود. شهر کندهار در تابستان سال ۱۹۸۰ سر به شورش زد. آ. کیوت<sup>4</sup> منشی کمیته شهری که خلقی بود مبارزه علیه اشرافیت پرچی را راه انداخت. بروز ۳۰ آگست شهر کاملاً توسط سربازان شوروی محاصره شد و دهات و مناطق اطراف شهر با استفاده وسیع از هواپیماها و توپخانه رفته و سرو زیر ساخته شدند. سپس حمله آغاز گردید.

وضع در شهر هرات نیز به همین منوال بود. گروهی از خلقیان شامل سگین<sup>5</sup> منشی کمیته حزبی ولایتی هرات، عبدالظاهر چوپان مسئول شعبه تشکیلات حزبی، پیکار جو عضو کمیته ولایتی ح.د.خ.ا. و رئیس شعبه ولایت<sup>6</sup>، معاون منشی کمیته شهری شهر هرات، معاون سیاسی فرقه ۱۷ پیاده، دو تن از منشیان کمیته های ولسوالی، نه عضو کمیته های حزبی شهری و ولسوالی و دو عضو برجسته خاندوی در هرات با هم متشکل شدند تا علیه حکومت کارمل بجنکند. این اولین دردرس از ناحیه فرقه ۱۷ پیاده نبود. در مارچ ۱۹۷۹ در آن زمان که دیگر من کتیجف<sup>7</sup> مشاور نظامی فرقه بود نیز تلاشی برای شورش در برابر مقامات دولتی صورت گرفته بود. یک گروه عملیاتی وزارت دفاع اتحاد شوروی و نمایندگی کی جی بی برنامه فعالیت های نظامی، عملیاتی و سیاسی در برابر شورشیان و در جهت استقرار حکمرانی رژیم کابل در مرکز و اطراف ولایت هرات را طرح ریزی کردند. شهر در محاصره سربازان شوروی قرار داشت. در ماه سپتمبر زنجیره بی از عملیات نظامی در شهر هرات و اطراف آن و سایر مناطق آن ولایت انجام یافت. نزدیکی هرات با ایران و احتمال اینکه از ایران بمثابه پایگاه جهت گسترش جنبش چریکی به مناطق غرب افغانستان استفاده شود مد نظر گرفته شد. رخنه پذیرترین بخش های مرز میان ایران و افغانستان محکم بسته شده و راه های آنها مابین گذاری شدند. اعضای محلی خدمات ویژه محرم راز این برنامه ریزی نگردیدند چون بیم آن می رفت که از طریق آنان اطلاع از برنامه به دشمن درز خواهد کرد. هفده عضو خاد، ۴۴ تن از فعالین حزبی و ۱۵۲ سرباز محاروبی خاندوی جهت اشتراک در پیاده سازی برنامه از کابل فرستاده شدند و سی و پنج جانفشان پرشور از میان افراد محلی انتخاب گردیدند. نبرد برسر شهر یک هفته

<sup>2</sup> Sergei L. Sokolov معاون وزیر دفاع اتحاد شوروی (۱۹۶۷-۱۹۸۷) (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

<sup>3</sup> Sergei F. Akhromeev معاون اول لوی درستیز اتحاد شوروی (یادداشت ویرایشگر نسخه انگلیسی)

<sup>4</sup> نویسنده این نام را به شکل A. Kaiut نوشته که مسلماً غلط است. آیا منظور «عبدالقیوم» بوده؟ اینجانب نمی دانم منشی کمیته شهری شهر کندهار در آن زمان کی بود. از خوانندگان گرامی که اطلاع دارند صمیمانه تقاضا می کنم کمک کنند - برگرداننده

<sup>5</sup> در اصل به شکل Sagin آمده که شاید منظور «سنگین» باشد - برگرداننده

<sup>6</sup> کذا فی الاصل - برگرداننده

<sup>7</sup> S.L. Katichev

ادامه داشت. محاصره شدگان با قهرمانی و دلیری زیاد مقاومت شدید نشان داده و با اسلحه ناتوان خود چهاربار کوشیدند چنبره تنگ شونده محاصره را بشکنند ولی سرانجام شهر هرات بروز ۱۱ سپتمبر سقوط کرد. از شورشیان ۵۵۱ تن بشمول سه تن از رهبران قیام کشته و ۱۰۳۶ تن اسیر گردیدند. نیروهای دولتی پیروزمند ۱۳ وسیله نقلیه، ۱۹ موترسایکل، ۷۳ قبضه تفنگ و ۴۰ کیلوگرام مواد منفجره به غنیمت گرفتند.

پس از سقوط شهر چار نقطه بازرسی و کنترولی در شهر ایجاد گردید. همه آنانیکه از شهر برون و یا به آن درون می شدند واری شده و هرکسی که شک برانگیز پنداشته می شد دستگیر می گردید که درین راستا اضافه از ۲۵۰۰ نفر بشمول چهار تن ایرانی بازداشت شدند. یک اردوگاه بیختاری در سندیوم شهر که اضافه از ۲۲۲۵ تن در آن نگهداری می شدند ایجاد گردید که از جمله این تعداد ۶۵۱ تن به زندان انداخته شدند. چهل و سه گزمه ارتشی سرک ها و کوچه ها را می گشتند.

از جمله ۲۲ واحد اداری ولایت هرات<sup>۸</sup> ۵ واحد آن پس از نبردهایی که یک ماه طول کشیدند از وجود شورشیان پاکسازی شد. در ماه اکتوبر ۹ واحد اداری دیگر نیز پاک ساخته شد. در عملیات های نظامی مذکور دو غند موتریزه پیاده، دو کندک چترباز و یک تولی ویژه کشف سهم گرفتند. درکل اضافه از ۴۵۰۰ سپاهی با سازوبرگ و جنگ افزارهای سترگ درین نبردها رزم آوری کردند.

واحدهای «شرشره»<sup>۹</sup> کی جی بی متشکل از ۱۴۵ نفر و دسته های دروغینی<sup>۱۰</sup> که بخاطر کشف، افشا و نابود سازی دسته ها و گروه های راستین مقاومت ایجاد شده بودند نقش مهمی درین عملیات داشتند. واحدهای رزمی با همدستان افغانی شان ساختمان ها و خانه ها را تلاشی و زیر و رو می کردند. آنها مناطقی را که سربازان بدست آورده بودند در چنبر خود گرفته و همه باشندگان آنرا بازرسی می نمودند. در زدوخوردهای ناشی از چنین محاصره ها و بازرسی ها ۱۲۱ نفر کشته و ۳۵۷ تن دیگر دستگیر گردیدند و ۱۳ کمیته اسلامی محلی و در سطح قریه جات از بین برده شده کتاب ها و نوشته های بدآیند، اسلحه و مهمات آنها ضبط و مصادره گردیدند. تجارب مؤفقیته بار واحد «شرشره» پسانتر در سائر ولایات افغانستان بکار بسته شد.

مارشال سکولف معاون وزیر دفاع، کریوچکوف رئیس ریاست عمومی اول (عملیات خارجی) کی جی بی و سپولنیکوف<sup>۱۱</sup> بروز اول اکتوبر ذریعه هواپیما وارد هرات شدند. آنها فعالیت های فرماندهی سپاهیان شوروی و واحدهای کی جی بی را مورد تأیید قرار دادند و در دیداری که با افسران ارشد داشتند به فرماندهان شوروی اجازه و صلاحیت دادند تا عملیات های محاروبی را در داخل شعاع ۵۰ کیلومتری نقاطی که سپاهیان شوروی جابجا شده بودند بدون موافقه و استیذان قبلی مقامات افغانی انجام دهند. وظیفه عمده شان نابود سازی رهبران واحدها و دسته های شورشیان بود.

در طول سال های ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ ارتش ۱۳۲۰۰۰ نفری و نیروی هوایی و ضد هواپیمای ۱۵۰۰۰ نفری افغانی در برابر شورشیان رزم آوری می کردند. ارتش همه سازوبرگ و اکمالات اساسی خود را از اتحاد شوروی بدست می آورد. نیروی هوایی عمیقاً در رزم و نبرد دخیل بود اما ارتش با رقم بلند گریز و فراری که در آن وجود داشت زیاد مورد اعتماد نبود.

<sup>۸</sup> مطمئن نیست منظور نویسنده از بیست و دو واحد اداری چیست چون تا جایی که اینجانب آگاهی دارم ولایت هرات صرف شانزده ولسوالی دارد - برگرداننده

<sup>۹</sup> در هیچ جای این نوشته (که تکرار می کنم جز سیاه نویس ویرایش نشده چیزی نیست) نویسنده در مورد واحدهای «شرشره» (Cascade) توضیحی نداده است. پژوهش در منابع انترنتی نشان می دهد که واحد های «شرشره» و «برین گاه» (Zenith) (که پیشتر ازین نقش آنرا در برون ساختن جاسوسان خلقی ضد امینی کی جی بی در نخستین روزهای حکومت صد روزه حفیظ الله امین دیدیم) دو واحد از واحدهای خاص کی جی بی بودند که این یک (واحد «شرشره») وظیفه داشت تا در میان حلقهات دشمن (افغان ها) نفوذ کرده ماموریت های استخباراتی، تفرقه افگنی، تروریستی و خرابکاری را به انجام رساند - برگرداننده

<sup>۱۰</sup> یک دسته (باند) عبارت از گروه متشکل از دو یا بیشتر از دو نفری است که به هدف حمله بر ساختمان ها، تأسیسات اقتصادی و افراد حکومتی یا عامه تشکیل می گردند. آنچه کی جی بی «دسته های دروغین» می خواند همچون دسته های راستین و واقعی عمل کرده به داخل یک جنبش آزادی بخش نفوذ می کنند و با استفاده از رذالت و پستی و راه ها و وسایل خبیثانه وطنپرستان را نابود می سازند یا آنها را به دام نیروهای مسلح کی جی بی و ارتش می اندازند و بدین گونه گروه های مقاومت را از بین برده مجاری ارتباطی را تسخیر و با آسیب رساندن به همکاری بین دسته های راستین مقاومت و مردم در کوتاه ترین زمان و با اندکترین خسارات و تلفات احساس نا امنی و بی اعتمادی بوجود می آورند. (یادداشت نویسنده)

<sup>۱۱</sup> V.N. Spolnikov نویسنده در هیچ جای نوشته توضیح نکرده است که این شخص کی بود و چه مقامی در دستگاه اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی داشت - برگرداننده

مرحله دوم جنگ علیه مردم افغانستان را سپاهیان شوروی آغاز کردند. درین مرحله از آخرین سازوبرگ و تکنولوژی جنگی بشمول زهرهای کیمیایی بشکل بم های گازی که در مدت کم اثرات محیطی آن از بین می رفت کار گرفته شد. نبردها بر اساس اطلاعات جاسوسی راه اندازی می گردیدند که درمورد مخالفین از پاکستان و ایران یعنی جاهایی که جنگاوران افغانی متشکل می شدند و پیش از برگشتن به افغانستان دم راست می کردند بدست می آمد. اوستینوف (وزیر دفاع) به برژنف گزارش داد که سربازان شوروی و واحدهای کی جی بی نقش عمده را در جنگ علیه ضد انقلاب افغانی بعهده داشتند.

رهبران کی جی بی بر این نکته پافشاری داشتند که مرز های جمهوری دموکراتیک افغانستان با پاکستان، ایران و چین بصورت کامل بسته گردد لکن افغان ها نه سرباز و نه اراده داشتند تا سهم خود درچنین اقدامی را بسر رسانند، بنابراین شوروی ها مسئولیت تأمین نظم در سرحدات را بعهده گرفتند. سربازان مرزی کنترل کامل سرحد افغان شوروی را که ۵۰۰۰ سرباز مصروف گزمه آن بودند در دست داشتند. آنها در طول راه عمده تدارکاتی که از ترمذ، کوشکه و سائر نقاط به کابل می رسید کمین می گرفتند. در می ۱۹۸۰ سپاهیان مرزی اتحاد شوروی پامیر افغانی را اشغال کرده سرحد ۴۰۰ کیلومتری افغانستان با چین و پاکستان را از جای تلاقی مرز سه کشور تا گذرگاه «دو رو» مسدود ساختند و گذرگاه ها و کوره راه هایی را که جهت مراسلات و آوردن اموال از چین به افغانستان مورد استفاده قرار می گرفت بستند. جهت حفاظت از سرحد سه خط دفاعی مرزی کشیده شد. شمار چشمگیر واحدهای کی جی بی در جنوری ۱۹۸۱ به دستور اندروپوف در عقب کمر بند دوم سرحدی در مرز های پاکستان و ایران جابجا ساخته شدند. برای اینکار پنج لوای سرحدی و واحدهای جدید محاروبی ایجاد گردید. کوره راه ها و گذرگاه ها ویران شده و مابین گذاری گردیدند. کارمل بروز ۲۴ جنوری ۱۹۸۱ به سفیر شوروی و گریکوف<sup>۱۲</sup> به درستی اظهار داشت که «اکنون که اتحاد شوروی به چنین اقدامات اساسی در جهت نجات انقلاب افغانستان برداشته است سرنوشت کشورهای مان براسستی باهم درآمیخته اند.»

به پیشنهاد جانب شوروی در تابستان سال ۱۹۸۰ قلمرو افغانستان به هشت حوزه یا «زون» تقسیم شد و برای هر زون یک نماینده کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. و شورای انقلابی تعیین گردید. وظیفه تعیین شده برای این نمایندگان عبارت بود از هماهنگ سازی کار ارگان های قدرت محلی، کمیته های ولایتی ح.د.خ.ا.، واحد های نیروهای مسلح، خاد و خاندوی و نظارت برتطبیق تصامیم نظامی، اجتماعی اقتصادی و تبلیغاتی ارگان های بالایی حزب و دولت در ولایات. نمایندگان تعیین شده عبارت بودند از بارق شفیعی در زون شمال غرب، فدامحمد دهنشین<sup>۱۳</sup> در زون شمال، نظر محمد<sup>۱۴</sup> در زون جنوب شرق، نظام الدین تهذیب در زون شمال شرق و اسلم وطنجار در زون مرکزی<sup>۱۵</sup>.

ولایت کابل در چنبره کمر بندهای امنیتی قرار داشت و در مسیر راه هایی که فکر می شد جنگجویان خواهند کوشید خود را به کابل برسانند دام ها و کمینگاه ها ایجاد شد. کدک های ویژه کماندو تشکیل گردید و قرار شد واحد های نظامی شوروی در صورت بروز بلوا و شورش در جاهایی چون کلوپ عسکری، مرکز مخابرات قوای شوروی، سفارت شوروی و قاغوش های تپه تاج بیگ مخفی گردند.

نمایندگی کی جی بی و فرماندهی نیروهای شوروی آگاهی داشتند که مردم افغانستان از حکومت پشتیبانی نموده و به پاکستان و ایران می گریختند. آنها به این باور بودند که مقامات کابل به تنهایی توانایی فایق آمدن بر دشمن و مقابله با گستره و پیمانۀ عملکرد دشمن را نداشتند بنابراین اشتراک کامل اتحاد شوروی در چنین امری لازمی بود.

<sup>۱۲</sup> Grekov نویسنده در هیچ جای نوشته توضیح نکرده است که این شخص کی بود و چه مقامی در دستگاه اشغال افغانستان توسط اتحاد شوروی داشت - برگرداننده

<sup>۱۳</sup> این نام به گمان اغلب است چون در نسخه اصلی م. دخنش (M. Dekhnesh) آمده است. فدامحمد دهنشین پس از اشغال افغانستان و تشکیل دولت دست نشانده عضو کمیته مرکزی و عضو شورای انقلابی بود - برگرداننده

<sup>۱۴</sup> در اصل «ن. محمد» آمده است که باید همان «نظر محمد» باشد چون هم در سیاهه کمیته مرکزی و هم در سیاهه شورای انقلابی نام «نظر محمد» بچشم می خورد، اما دانسته شده نمی تواند که این «انجنیر نظر محمد» بود یا «دگرمن نظر محمد» چون هر دو هم عضو کمیته مرکزی و هم عضو شورای انقلابی بودند - برگرداننده

<sup>۱۵</sup> در مورد سه زون دیگر نویسنده چیزی نگفته است. از کسانی که درین مورد اطلاع یا به اسناد تاریخی دسترسی داشته باشند درخواست کمک می شود - برگرداننده

ماسکو به ارتش شوروی وظیفه سپرد تا جنبش مقاومت را در طی سال ۱۹۸۱ بطور کامل سرکوب و شورشیان را نابود ساخته سلطه رژیم کابل را به سراسر کشور گسترش دهد. برای این منظور اختیارات نمایندگان شوروی در زون ها گسترش داده شد و آنها صلاحیت یافتند تا تصمیم عملیاتی در ارتباط جنگ با شورشیان را خود اتخاذ کنند. مشاورین نظامی ریاست های ارکان زون ها اجازه داشتند تا واحدهای نظامی تا سطح کدک را وارد عملیات محاروبی سازند. [برینجا کلماتی چند کشیده شده اند]. در مواضع ضعیف و کم نیرو سربازان شوروی جای سربازان افغانی را می گرفتند. جهت انسجام عملیات یک گروه عملیاتی متشکل از سک洛夫، اخیرومیف، الکسیف، روماننوف و سپولنیکوف<sup>16</sup> از جانب وزارت دفاع اتحاد شوروی تشکیل گردید. مسئولیت هماهنگ سازی عملیات ارتش و سپاهیان سرحدی به عهده متروسوف (فرمانده سپاهیان سرحدی) [احتمالاً 3/4 یک سطر کشیده شده است]، سک洛夫 و اخیرومیف گذاشته شد. آنها یکجا با چوچوکین و مکروف<sup>17</sup> وظیفه هماهنگ سازی امور با کی جی بی را نیز بعهده داشتند. به این سه تن دستور داده شد تا در همکاری با پرسونل حوزه نظامی ترکستان (تحت فرماندهی دیگر جنرال مکسیموف<sup>18</sup>)، لشکر چهل، مشاورین نظامی و اعضای نمایندگی کی جی بی به تشکلات نظامی یادشده و نیز به وزارت دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان و کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. کمک عملی نمایند تا عملیات مشترک جزوتام های افغانی و شوروی را منسجم سازند. ملاقات های گسترده میان فرماندهان واحدهای «شرشره» و مشاورین ارشد حزبی و نظامی توظیف شده از جانب کی جی بی و وزارت امور داخله شوروی برای کار در زون های اداری مذکور بصورت منظم در سفارت اتحاد شوروی دایر می گردید. سلطان علی کتنده، نور احمد نور، صالح محمد زیری، محمد رفیع، سید محمد گلاب زوی و نجیب الله که از جانب کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. و شورای انقلابی انتخاب شده بودند از جانب افغانی درین گردهم آیی ها که برنامه کار آن توسط شوروی ها تعیین می گردید شرکت می کردند. موضوعات مورد بحث مشتمل بود بر همکاری میان جوانب افغانی و شوروی در عملیات های نظامی، کارسیاسی میان مردم، محافظت اهداف و تأسیسات اقتصادی و طرز العمل های حقوقی. سک洛夫 جلسات مشترکی با رهبران و فرماندهان نیروهای مسلح جمهوری دموکراتیک افغانستان و اعضای دفترسیاسی کمیته مرکزی ج.د.خ.ا. و هیئت رئیسه شورای انقلابی دایر می کرد. در نتیجه این همه فعالیت ها در سوق و اداره سربازان و انتقال سلاح و تجهیزات جنگی بهبودی رونما شد، ایمنی مخابرات و مراسلات بهتر گردید، همکاری میان نظامیان و نمایندگی کی جی بی گسترش یافت و استفاده بهتر از اطلاعات استخباراتی امکان پذیر گردید.

از جنوری ۱۹۸۱ به بعد در شدت و پیمانۀ فعالیت نظامی شوروی افزایش بی سابقه رخ داد و دشمن با تمام نیرو مورد یورش زمینی و هوایی قرار گرفت. عملیات نظامی در ماه های جنوری و فیبروری آن سال بالغ بر ۷۹۲ روز کدک<sup>19</sup> می شد که ۳۹ کدک از قول اردوی جنوبی در آن سهم گرفتند. نیروی هوایی ۱۲۰۰۰ پرواز بم اندازی یا پوشش هوایی به نیروهای زمینی انجام داد. مهمات جنگی رسانده شده به لشکر چهل به ۸۱۵۰۰ تن بالغ می گردید. در ماه اپریل نیروی هوایی ۳۰۳۶ پرواز رزمی و ۳۰۸۴ پرواز انتقالی انجام داد و جزوتام های احتیاط سربازان مرزی، چتربازان و هواپیماهای سپاهیان مرزی در شمال افغانستان وارد جنگ ساخته شدند. در ماه مارچ تابیف، کوزلوف، میوروف و سپولنیکوف از دولت شوروی تقاضای سه غند و سه واحد اضافی مرزی نمودند تا بتوانند «تا آخر سال دشمن را از قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان برون رانده وضعیت داخل کشور را استقرار بخشند».

سربازان ارتش چهل شوروی به انتهای طاقت و توان عملیاتی جنگی خود رسیده بودند. از جمله ۷۳ کدک ۵۶ آن بدون هیچگونه دم راستی و فضای تنفس برای سربازان یا تغییر افراد بصورت مستدام در حالت محاربه قرار داشتند. افسران سیاسی جزوتام ها شکایت می کردند که نمی توانستند درس های حزبی و کمسولی<sup>20</sup> و تعلیمات سیاسی خود را پیش برند. گزارش های عملیاتی به ماسکو از قهرمانی های ارتش شوروی و دلیری و شهامت سربازان، پیلوت ها، پیلوت های هلیکوپترها و چتربازان قصه ها داشت. اینان در برابر دشمن بی رحم بودند. یکی

16 Y.K. Alexeev, A.V. Romantsov, V.N. Spolnikov

17 V.A. Chuchukin, N.I. Makarov

18 Y.P. Maximov

19 «روز کدک» معیاری برای پیمایش شدت و حدت جنگ است و عبارتست از جنگی که یک کدک محاروبی در یک روز انجام می دهد - برگرداننده

20 منظور سازمان «کمونیستان جوان» است که دولت دست نشانده «سازمان دموکراتیک جوانان» خود را از آن نمونه گیری کرد - برگرداننده

از گزارش های هفته وار به اندروپوف و اوستینوف اظهار داشت که «در فاصله میان ۲۵ فیرووی و ۵ مارچ ۱۳۹۰ شورشی کشته شدند. شماری از شورشیان به کوه ها گریختند و چون لباس گرم نداشتند در آنجا از شدت سرما جان دادند.» رسانه های خارجی نیز با خوشرویی جعلیات کی جی بی را مبنی بر آنکه قطعات محدود نظامی اتحاد شوروی در افغانستان همان وظایفی را بسر می رسانند که سربازان ملل متحد در لبنان انجام می دادند منتشر می ساختند.

شوروشیان با سرسپردگی مقاومت می کردند و ضربات متقابل به سربازان شوروی و حکومت افغانستان وارد می آوردند. آنها در سال ۱۹۸۱، ۵۲۳۶ عملیات مسلحانه یا بطور اوسط ۴۳۶ عملیات در یک ماه انجام دادند. در همان سال آنها ۷۶۰ حمله نابیوسان انجام داده ۵۶۷ وسیله نقلیه را تخریب و ۵۰۰ مرکز اداری را آسیب رساندند. در همین سال خاندنوی ۴۵۵۲ نفر تلفات داد. بخش بیشتر مساحت کشور زیر اداره شورشیان قرار داشت. شورشیان در ولایت کندز از ۳۸۴ قریه ۳۴۶ آنرا زیر کنترل داشتند و تنها ۳۸ قریه (۱۰٪) زیر تصرف دولت کابل بود. از جمله ۱۵۱۷ قریه در ولایت هرات حکومت افغانستان بمشکل می توانست ادعای کنترل بر ۲۴۹ قریه (۱۵٪) را داشته باشد. در ولایات بلخ، جوزجان، سمنگان و فاریاب از جمله ۱۷۹۲ قریه کمتر از ۴۳٪ آن زیر اداره حکومت قرار داشت و رژیم کابل حتی درین قریه جات نیز نمی توانست احساس راحت و آرامش کند.

مردم عادی آسیب و رنج فراوان می دیدند و اعمال وحشیانه شوروی ها در آنها نفرت بر می انگیخت. آنها می گفتند: «شما بر بم افکن ها و تانک های روسی که سالمندان، زنان و کودکان را مورد حمله قرار می دهند چه نام می گذارید؟ مشکل است بتوان برای آنها نامی یافت. اگر آنها را حیوان بنامیم به حیوانات توهین کرده خواهیم بود چون حیوانات مصدر کارهای مفیدی برای انسان ها هستند. روس ها برای مردم هیچ کاری انجام نداده اند و مردم از نام شان نفرت دارند. انسانها اعضای یکدیگرند. "چو عضوی بدرد آورد روزگار، دگر عضو ها را نماند قرار". کسی کز محنت همسایه بیغمست نتوان گفت که نامش آدم است<sup>21</sup>».

در ارتباط به وحشیگری روس ها حتی کارمل نیز شهادت بخرچ داده هنگام صحبت با نمایندگان شوروی از وحشت و دهشت در عملکرد شوروی ها یاد آور می شد و از تلفات وسیع اهالی ملکی و ضربات بر مردهای افغان بدست سربازان روسی یاد می کرد. و ابراز بیم می نمود که در نتیجه بدرفتاری قوای شوروی نیروی انسانی برای کار در افغانستان باقی نخواهد ماند. دستگیر پنجشیری عضو دفتر سیاسی و رئیس کمیته کنترل کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. ازینکه ارتش شوروی با بی رحمی و وحشت غیر قابل باور جنگ علیه مردم افغانستان را راه انداخته بود و گویی براساس اصل «هر چه بدتر بهتر» به آن می پرداخت خیلی آزرده خاطر بود. سربازان و افسران شوروی از چپاول و غارت اموال و اختلاس مواد سوخت و وسایط ارتش روگردانی نمی کردند و پروای قوانین ترافیکی را نداشتند. کارمل از شاه محمد دوست وزیر امور خارجه که بروز ۱۲ مارچ ۱۹۸۰ غرض امضای معاهده روی وضعیت حقوقی سربازان شوروی مستقر در افغانستان به ماسکو می رفت خواست تا موضوع رفتار و سلوک سربازان شوروی را با مقامات آن کشور در میان گذارد.

با این همه، نقشه های شوروی ها مبنی بر درهم کوفتن مخالفین در طی سال ۱۹۸۱ برآورده نشده ماند بنابراین موعد تعیین شده برای نابودسازی مخالفین تا سال آینده به تعویق انداخته شد. سک洛夫 حین گزارش به اوستینوف در باره فعالیت های ارتش چهلیم و جزوتام های کی جی بی و وزارت داخله در طول خزان و زمستان ۸۲-۱۹۸۱ ناگزیر شد اعتراف نماید که تلاش برای نابودسازی اغتشاشیون به مؤفقیته نایل نگردیده است. «دشمن به کوه هایی که ۴۰۰۰ تا ۴۵۰۰ متر ارتفاع دارند پناه برده است. تصمیم برآن است تا در ختم زمستان آنگاهی که سرمای کوه ها و برف وافری که در ماه فیرووی باریده است امکان ستر و اخفا را از دشمن بگیرد آنانرا از بین بریم. در مناطق تکاب، نجراب و جویبار دشمن در مجاری سیل رو گیر مانده مقاومت شدید نشان می دهد. راه های خروجی دشمن به جانب جنوب، غرب و شرق همه مسدود گردیده اند. بطرف شمال کوه های پر نشیبی قرار دارد که در فصل زمستان عبور ناپذیر هستند.»

در گزارشی که دگر جنرال مکسیموف فرمانده حوزه نظامی ترکستان در جنوری ۱۹۸۲ به اوستینوف وزیر دفاع و اندروپوف رئیس عمومی کی جی بی در مورد فعالیت های سربازان شوروی فرستاد چنین نوشت: «نیروهای ضد انقلابی توانسته اند مناطق نفوذ خود را نگهدارند و بخش قابل توجه مردمان محلی را به مبارزه مسلحانه در برابر رژیم موجود بکشانند...» گروه های کوچک رهزنان آموزش دیده و دسته هایی از

<sup>21</sup> مفهوم سروده معروف سعدی را نویسنده تقریباً به عین عبارت فوق بدون ذکر نام سعدی آورده است - برگرداننده

سازماندهندگان از ایران و پاکستان به داخل قلمرو جمهوری دموکراتیک افغانستان فرستاده می شدند و با جلب و جذب ساکنین محل شمار خود را افزایش می دادند. وزارت دفاع اتحاد شوروی، دفتر سرمشاور نظامی و شعبه عملیاتی ارتش چهل شمار کسانی را که در چنین گروه ها و دسته ها در جمهوری دموکراتیک افغانستان جذب شده بودند در حدود ۳۰۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ تن برآورد می کرد ولی برآوردهای کی جی بی این رقم را ۵۰۰۰۰ تا ۵۵۰۰۰ نشان می داد. شمار باغیانی که به این دسته ها پیوستند به ۵۰۰۰۰۰ جنگنده می رسید.

بصورت مجموع از جمله ۱۸۶ ولسوالی ۵۹ ولسوالی و از جمله ۱۰۰ علاقاری ۵۴ علاقاری<sup>22</sup>، یعنی ۳۵٪ قلمرو کل کشور با ۷ میلیون انسان یعنی ۴۶٪ همه باشندگان کشور در تصرف شورشیان قرار داشت. بگونه مثال، حدس زده می شد که در زون اداری شمال شرق ۴۰ مرکز فعال مقاومت با حدوداً ۴۰۰۰ شورشی وجود داشت که ۸۲٪ همه قشلاق های منطقه را در تصرف داشتند. در طی ۱۹۸۲ سال به شمار ۷۶۸۹ حمله مسلحانه بر اهداف شوروی و حکومتی یعنی حد اوسط ۸۵۴ حمله در یک ماه صورت گرفت که تقریباً دوچند شمار حملات سال گذشته بود. شورشیان ۸۱۱ حمله بر قطار های اکمالاتی و وسایط نقلیه انفرادی انجام داده ۸۰۰ وسیله نقلیه را از بین بردند. آنها ۴۶۲۰ عملیات خرابکارانه بالای اهداف مهم اقتصادی بشمول ۱۰۰ حمله بر مراکز و خطوط انتقال برق و ۶۰ حمله بر لوله های انتقال نفت انجام دادند، ۱۵۰ مرتبه بر مراکز اداری شلیک کردند و ۱۳۰۰ حمله بر واحدهای نظامی بعمل آوردند.

شوروی ها دریافتند که شورشیان منسجم تر و آزموده تر شده استفاده از ماین های زمینی، ماین های ضد پرسونل، هاوان، نارنجک انداز و ماشیندار ثقیل را آغاز کرده بودند. دسته های اختصاصی حمله کننده بر میدان های هوایی و تانک های زرهی بوجود آمده بود و دسته هایی از انجنیران خندق و سنگر و مواضع دفاعی می کردند. گروه های مختلف چریکی عملیات های خود را هماهنگ می ساختند و تاکتیک های شان نیز تغییر کرده بود. آنها از نبرد رویاروی طفره می رفتند و بیشتر مانور می کردند. رهبران شورشیان بر این نظر بودند که باید از تلفات افراد خود جلوگیری کنند و برای حمله پس از اخراج سربازان شوروی از افغانستان آمادگی بگیرند.

در طول نیمه اول سال ۱۹۸۲ سربازان شوروی در ۲۳ نبرد سنگین اشتراک کردند که در طی آنها ۳۵۸۰۰ شورشی کشته و ۵۰۴۸ تن شان اسیر گردیدند. سربازان مرزی در صفحات شمال از جنوری تا اکتوبر آن سال در ۱۸۲ عملیات محاروبی شرکت کرده ۶۰۰۰ شورشی را کشته و ۴۵۰۰ تن آنها را اسیر کردند و شورشیان را از ۱۳ ولسوالی و علاقاری راندند.

دریافت های دستگاه نظامی شوروی و کی جی بی برآن بود که قابلیت و روحیه رزمی اردوی جمهوری دموکراتیک افغانستان در سطح نازلی قرار داشت. افسران آشکارا از اوامر سر پیچی و با دشمن همکاری می کردند و یا صف بدل کرده در پهلوی آنها قرار می گرفتند. تا تاریخ ۳۰ اپریل ۱۹۸۰ اضافه از ۱۷۰۰۰ سرباز از اردوی افغانستان فرار کرده بود. در سالها بعدی نیز شمار چشمگیری از سربازان اردوی افغانستان ترک خدمت نمودند. در سال ۱۹۸۱ سی هزار تن و در سال ۱۹۸۲ هرماه بین ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ تن از خدمت عسکری و صفوف اردو می گریختند. شمار گریزی ها شش برابر شمار کشته شدگان (که آنها رقم درشتی را تشکیل می داد) بود. بدین گونه تنها نیروی خاندوی در طی ۱۲ ماه ۸۰۰۰ نفر از دست داد که از آنجمله ۱۲۰۰ تن کشته، ۲۳۳۶ تن زخمی، ۸۵۰ تن اسیر و ۲۵۰۰ تن فرار خدمت بودند. صفوف اردو با خدمت اجباری مکلفیت عسکری پر می شد. بتاريخ ۷ فبروری ۱۹۸۲ سک洛夫 معاون وزیر دفاع، اخرومیف معاون لوی درستیز و اوسادچی نماینده مقیم کی جی بی در افغانستان به کارمل پیشنهاد کردند تا سن مکلفیت عسکری را به ۱۸ سالگی پایین بیاورد و موعد مکلفیت را به سه سال بالا برده معاش یکنفر سرباز را به ۳۰۰۰ افغانی افزایش دهد.

رویداد ذیل شیوه های مروج سلوک و برخورد در اردوی افغانستان را تصویر می کند: بروز ۱۱ فبروری ۱۹۸۱ محمد رفیع وزیر دفاع یکجا با چیریموخ<sup>23</sup> معاون سرمشاور نظامی شوروی از فرقه ۱۱ دیدن کردند. حین بازدید از کانتینر غند ۷ توپچی رفیع متوجه شد که دو نفر سرباز موظف چین سفید نیوشیده بودند. رفیع آنها را فراخوانده و در برابر همگان با دستکشی که در دست داشت سلی کاری کرد و امر نمود آنها را برای شش روز حبس کنند. روز بعد رفیع بستر یکی از سربازان را با دست تپ تپ زد و از کمپل سرباز خاک بلند شد. رو به

<sup>22</sup> ارقام داده شده محل تأمل است چون شمار مجموعی ولسوالی ها و علاقاری های افغانستان بیشتر از آن بود که نویسنده گفته است - برگرداننده

<sup>23</sup> V.P. Cheremnykh

قوماندان غند که محمد نادر نام داشت کرده با لبخند گفت که اگر در غند نظم برقرار نکند با دست خود کمپل را در دهنش تخته کرده تا شکمش فرو خواهد برد. سپس رفیع قوماندان را لت و کوب کرده امر کرد او را بسته کنند و به تشناب بیندازند و به ضابط امر خود امر کرد تا ساعت چهار صبح بالایش پهره ایستاد شود. بعداً قوماندان مذکور را به کابل فرستاد.

شوروی ها در سال ۱۹۸۲ نیز نتوانستند شورشیان را تار و مار کنند. دستگاه نظامی شوروی و کی جی بی ملامتی ناکامی خود را به گردن امپریالیزم جهانی و دولت های مرتجع اسلامی می انداختند و می گفتند که آنها به دشمن کمک کرده مراکز مقاومت را تشویق و حمایه می نمایند. شعار ضد انقلاب برون راندن روس های اشغالگر از کشور و سرنگونی رژیم دست نشانده شان در کابل بود. آنها رهبری جمهوری دموکراتیک افغانستان را دست نشاندهاگان و وابستگی می دانستند که زمام حزب و دولت خود را به مشاورین شوروی داده بودند. کارمل به نزدیکان خود می گفت که تا زمانی که «دوران مشاورین شوروی» به پایان نرسیده برایش زود است وارد صحنه عمل شود و دلیل آنرا ناتوانی ح.د.خ.ا. و فعالین آن و عدم علاقمندی و سهمگیری توده های مردم در امر انقلاب می دانست.

کرسی نشینان شوروی ناگزیر تاکتیک جنگی خود را تغییر دادند و مفکوره فتح سراسر کشور به یک بار را از سر بدر کرده طرح نوی روی دست گرفتند. بر اساس این تاکتیک جدید آنها در پی آن شدند تا حضور و سلطه خود را در مناطقی که می شد بگونه مؤثر اداره کرد مستحکم ساخته به تدریج در آنجاها تغییرات اجتماعی و اقتصادی وارد آورند. محاسبه آنها چنان بود که با این کار متدرجاً اداره همه کشور را بدست خواهند گرفت. هدف تعیین شده آن بود تا نخست در صفحات شمال که همجوار اتحاد شوروی بود پیروزی قاطع بدست آورده شود. کمیته های منطقوی دفاع از انقلاب در قریه جات، کوچه ها و محلات ایجاد گردیده نظارت و دیده بانی بر وضع و روحیه مردم محل تشدید یافت و هر گونه آمد و شد و گشت و گذار اشخاص نو وارد زیر نظر گرفته شد.

پس رفت ها و شکست ها در جنگ افغانان را دلسرد ساخت. در اگست ۱۹۸۱ کارمل حین گفتگو با سک洛夫 وضعیت کشور را با کمونیزم دوران جنگ در اتحاد شوروی مقایسه کرده گفت: «با آنکه درست نخواهد بود آشکار حالت کمونیزم جنگی را اعلام نماییم همه اقدامات دولت باید براساس اصول و معاییر دوران کمونیزم جنگی صورت گیرد. در مرحله کنونی اتوریته و تجربه سپه سالار مارشال سک洛夫 حائز بیشترین اهمیت است ولی اگر پیشرفت واقعی در عادی سازی وضع و نابود سازی ضد انقلاب بدست نیاید از اندروپوف خواهم خواست تا به افغانستان آمده مسئولیت و رهبری مستقیم کارزار برای بهبود وضع را خود به عهده گیرد.» کمی پس‌انتر کارمل اظهار داشت که مارشال سک洛夫، مشاورین نظامی شوروی و وزرات دفاع جمهوری دموکراتیک افغانستان نه تنها از سرکوب ضد انقلاب ناتوان بودند بلکه به بن بست نیز رسیده بودند.

کی جی بی آگاه بود که افغانان بطور فزاینده در قبال رهبران نظامی و وضعیت کشور دیدی نکوهشگرانه پیدا می نمودند. گلاب زوی باری اظهار داشت: «وقتی کارمل در ماسکو بود در مورد کار ناکام جنرال مایوروف<sup>24</sup> سخن گفت و خواست تا مارشال سک洛夫 دوباره به افغانستان فرستاده شود. ماسکو سخنش را شنید و مارشال را که قبل بر آن مورد اعتماد کامل کارمل نبود واپس فرستاد.» وقتی محمود بریالی دریافت که سک洛夫 در ماه می به کابل برگشته است بانگ برآورد: «نمی خواهم در جایی باشم که مارشال باشد. من کشور را ترک خواهم گفت.» نجیب الله درین مورد اظهار داشت که مارشال برگشته بود تا اشتباهات سال ۱۹۸۰ خود را اصلاح کند. نور احمد نور، محمد رفیع و گل آقا آوازه هایی پخش می کردند که گویا شوروی ها از افسران خلقی رشوه می گرفتند. به باور آنها نمایندگان شوروی فاقد اصول و مسئول جنایات تره کی و امین بودند.

اکثر مردم دلیل دیرپایی سربازان شوروی در کشور شانرا نمی دانستند. با آنکه بارها به کارمل و کمیته مرکزی ح.د.خ.ا. گفته شده بود چه برنامه و روشی در پیش گیرند آنها در راه انداختن کارزار تبلیغاتی جهت توضیح مرام و هدف اقامت سربازان شوروی در افغانستان سستی و کندی بخرچ می دادند. گل آقا احساسات خود را در یکی از جلسات حزبی چنین بیان داشت: «ما پرچمی ها را چرا به خیانت به منافع کشور متهم می کنند؟ آیا ما بودیم که عساکر شوروی را به افغانستان خواستیم؟ نه! این وطنجار، گلاب زوی و مزدوریار بود که این کار را کردند! آنها بودند که در هنگام کودتای امین در سپتمبر ۱۹۷۹ به سفارت شوروی رفتند. این همه کار خلقی هاست!»



ادامه دارد .....

**سخنی با خواننده**

**پروژه اكمال و ویرایش  
سند «کی جی بی در افغانستان»**

خوانندگان ارجمندی که بخش های پیشین این سلسله را از نظر گذشتانده اند شاید متوجه شده باشند که برخی عدم دقت ها در محتوی و شیوه بیان این رساله وجود دارد که تا آنجا که ایجاب می کرد و در توان اینجانب بود در پاورقی ها به آنها اشاره شده است. این رساله در اصل بشکل دستنویس بزبان روسی نوشته شده است. شرایط پر از اضطراب و دلهره بی که در تحت آن اسناد محرم بایگانی کی جی بی پنهانی استنساخ و برون کشیده می شدند از بی دقتی ها در املا نام ها و عدم مراعات نقطه گذاری که در زبان های اروپایی با دقت و وسواس مراعات می شود، آشکار است. پس ازینکه متروخین با اسناد برون آورده شده از کی جی بی به غرب آمد حجم گفتنی ها و افشا کردنی های مختلف بیشتر از آن بود که بتواند وقت و دقت لازم را برای ویرایش نوشته ها و پژوهش فاکت های یک رساله دستنویس بخرچ دهد.

تا جایی که معلوم است این رساله هنوز بزبان اصلی روسی نشر نشده و همانگونه که درپیشگفتار بخش اول این ترجمه دری آمده، برای نخستین بار در سال ۲۰۰۲ توسط «پروژه تاریخ بین المللی جنگ سرد» مربوط «مرکز بین المللی وودرو ویلسن برای دانشمندان» بزبان انگلیسی به نشر رسید. نسخه انگلیسی این رساله گویا معروض ویرایش قرار گرفته است اما کسانی که نسخه نشر شده انگلیسی را مطالعه کرده اند یا خواهند کرد گواهی خواهند داد که ویرایش انجام یافته ناقص و پر از کاستی هاست و کمترتلاش صورت گرفته تا نوشته مطابق با معیارهای پذیرفته شده ویرایش مسلکی در غرب ارائه گردد. (املا نادریست و ناهمگون نام ها، عدم مراعات دقیق نقطه گذاری بخصوص هنگام نقل قول، از هم گسیخته بودن جملات و پراگراف ها و سلیس نبودن بیان). شاید هم این «عدم دقت» در واقع بخاطر بازتاب دهی دقیق اصل روسی بوده باشد.

اینجانب و اکثر خوانندگان این رساله مربوط نسلی هستیم که شاهد عینی وقایع شرح شده درین نوشته بوده ایم و با نامها و شهرت اشخاص ذکر شده و حوادثی که آفریدند تا حد زیادی آشنایی داریم و مستقیماً متأثر از درامه های تاریخی ننگینی هستیم که شرح جریانات پشت پرده آنها درین رساله و در نوشته های بشمار دیگر آمده است. ولی ما نسلی هستیم که بسوی شامگاه زندگی خودها روانیم و به یقین که خوانندگان جوانتر و آیندگان آن بوی آشنای خاطرات ناگوار این حوادث را که ما استشمام می کنیم نخواهند شنید، بنابراین لازم است توضیحات پاورقی و معرفی اشخاص و حوادث ذکر شده درین رساله هرچه همه جانبه تر و افشاگرتر باشد، که درین امر خود را محتاج مددکاری و همکاری خوانندگان ارجمند می دانم.

درین راستا از خوانندگان با درد این سلسله تقاضا میکنم که در صورتی که در مورد اشخاصی معلومات داشته باشند که درین رساله نام گرفته شده اند ولی معرفی دقیق نگردیده اند با تذکار آن به آدرس پیک برقی [kgbdariproject@yahoo.ca](mailto:kgbdariproject@yahoo.ca) در اكمال و بیشتر مؤثقی ساختن این سند که پس از پایان نشر انترنتی بشکل نسخه چاپی انتشار خواهد یافت سهم حقیقت پویانه بگیرند. معلومات ارسالی آنها بنام خودشان در پاورقی ذکر خواهد شد.  
درین ارتباط بصورت مشخص معلومات ذیل تقاضا می گردد:

- جاسوس نام گرفته شده در دوران وحشت و خیانت ۷ ثوری چه مقام و منصبی داشت؟
- شخص مذکور اکنون در کجا زندگی می کند؟ اگر فوت نموده چه وقت و در کجا چشم از جهان پوشیده است؟
- «یک تصویر گاهی کار هزار کلمه را می دهد». اگر عکسی از اشخاص ذکر شده درین رساله (چه ایجت های کی جی بی و چه قربانیان جنایات شان) سراغ داشته باشید با فرستادن یا دادن نشانی آن بر همه خوانندگان منت بگذارید.
- معلومات بیشتر پیرامون کارنامه شخص مورد نظر

سپاس من و همه خوانندگان به آنانی که درین راستا سهم می گیرند از پیش تقدیم باد. (برگرداننده)